

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن
۲۷ دسمبر ۲۰۱۸

آخوندی، از گدائی تا جنایت و چپاول رسمی

جنبش سبز (اصلاح طلبی) دیگر رنگ پریده تر از آنست که خود را پرچم دار مقاومت در برابر استبداد بداند. حنای آنها دیگر رنگی ندارد. دنبالچه های خارج از کشور آنها که در حمایت از اصلاح طلبان گوی سبقت از یکدیگر می ربودند تا پرچم این فریبکاران را بالاتر نگاه دارند، با فراز جنبش رادیکال خیابانی و اعتصابات اخیر کارگران هیکو، هفت تپه و فولاد اهواز (یکه) خورده اند و بواسطه اپورتونیزم ذاتی شان بآرامی و بمرور در تلاشند تا با تغییر رنگ به اردوی بالنده سرنگونی طلبان بلغزند! هم از اینجهت صفوف انقلاب نیازمند هوشیاری کامل است

"هفتاد سال پیش آخوندی گدائی محترمانه محسوب میشد" و امروز جنایت و تاجر و چپاول رسمی. بخش اول این عبارت از مصباح یزدی است که از ابتداء تا کنون در تمامی جنایات جمهوری اسلامی در چهل سال گذشته شریک و دخالتگر مستقیم بوده است. چنانچه امروز قرائتی جنایتکار و تئورسین رژیم جمهوری اسلامی منتقد آن شده است و امثال عبدالله نوری و میرحسین موسوی و کربوبی بنای ناسازگاری با رژیم نهاده اند و بسیاری دیگر که کارچاق کن همیشگی در تک تک اعمال جنایتکار جمهوری اسلامی در سرکوب منتقدان و مخالفان آن بوده ، تلاش می کنند دستهای هنوز خونین خود را بشویند و حساب خود را از جنایات بی شمار استبداد حاکم جدا کنند اما تاریخچه اعمال آنها از نظرگاه ها پنهان نمانده است و وجدان آگاه نسل های جوانتر نیز آنان را رها نکرده و به ردگیری مسؤولان نظام آنها مشغول هستند.

از دادخواهی قربانیان گرفته تا نظرگاه چشم در برابر چشم آنها را تنها نمی گذارند و پرونده خونبار کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت و قتلهای ناجوانمردانه زنجیره ئی در دوره های مختلف هنوز باز است.

خروش تهی دستان در دی ماه [جدی] سال گذشته نوید زنده بودن اراده عمومی برای دستیابی به زندگی بهتر و عادلانه تری بود که حاکمان بی اعتناء به آن چپاول عمومی منابع دولتی و عمومی را ادامه می دادند. امروز همه آنها به این واقعیت اشاره می کنند که فقر و بی عدالتی کنونی منتج از اعمال و رفتار آنان بوده است با این نیت که از زیر ضرب مستقیم اعتراضات خشم آلود توده مردم خود را برهانند.

قرائتی جنایتکار که زمانی گفته بود اگر ده تومان به آخوند بدهید نمی توانید از او پس بگیرید امروز به تقلا افتاده است که هیئات ده تومانی را دارند پس می گیرند! میرحسین موسوی نقش خود را در کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷

انکار می کند. او با کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت چه خواهد کرد؟ تمامی این نکات زمانی پرده در می خواهد شد که جمهوری اسلامی سرنگون شود و نهادهای حقیقت یاب کوس رسوائی آنان را بنوازند.

اعتصابات اخیر کارگری گامی بلند و رسا بود که مردم کشورمان و به ویژه کارگران دلیر هپکو، نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز برداشتند تا رفتنی بودن این رژیم را به نمایش بگذارند، قطعاً برگشت پذیر نیست و زجه و ناله بنیانگذاران این رژیم برای جدا کردن حساب چپاول و جنایت خود از کلیت رژیم بی نتیجه است. امروز می توان به صراحت گفت که این رژیم رفتنی است و دیر یا زود بساط این استبداد برچیده خواهد شد.

امروز خبر دیگری نیز در رسانه ها به چشم می خورد و آنهم مرگ طبیعی هاشمی شاهرودی بود. جلادی دیگر از میان جنایتکاران حاکم از میان آنها بی مکافات رفت. نسل این جنایتکاران یکی پس از دیگری منقرض می شود بی آن که در برابر دادگاه جنایت علیه بشریت قرار گیرند. شاهرودی معتقد بود که:



هاشمی شاهرودی

(اما آنچه از ادله حدود و تعزیرات به دست می آید این است که درنکات بودن کیفر به مقدار متعارف آن، شرطی لازم بوده و جزو اصل کیفر قرار داده شده است. در نتیجه، بی حس کردن محکوم هنگام اجرای کیفر به گونه ای که درد تازیانه یا قطع عضو را احساس نکند، جایز نیست)

«صفحه ۳۳۶ کتاب «بایسته های فقه جزاء»

خیزش سراسری دی ماه [جدی] سال گذشته اما نشان داد که حاکمیت ساقط شدنی است و آن که تلاش می کند تا گام به گام رژیم را تغییر و تعدیل کند تنها خود فریبی و عوامفریبی می کند. مدتها پیش برخی از چهره های سرشناس در داخل و خارج کشور فراخوانی را آغاز کردند تا مجازات اعدام را قدم به قدم به حالت تعلیق درآورند امروزه می بینند که نه تنها موفق نبوده اند بلکه دولت روحانی بر شتاب اعمال این مجازات دولتی افزوده است.

جنبش سبز (اصلاح طلبی) دیگر رنگ پریده تر از آنست که خود را پرچمدار مقاومت در برابر استبداد بدانند. حنای آنها دیگر رنگی ندارد. دنباله های خارج از کشور آنها که در حمایت از اصلاح طلبان گوی سبقت از یک دیگر می ربوند تا پرچم این فریبکاران را بالاتر نگاه دارند، با فراز جنبش رادیکال خیابانی و اعتصابات اخیر کارگران هپکو، هفت تپه و فولاد اهواز (یکه) خورده اند و به واسطه اپورتونیزم ذاتی شان به آرامی و به مرور در تلاشند تا با تغییر رنگ به اردوی بالنده سرنگونی طلبان بلغزند! هم از اینجهت صفوف انقلاب نیازمند هوشیاری کامل است. سوابق این طیف ها هیچ گاه نباید از یاد برود. به تعویق انداختن خروج عمومی علیه حاکمان از تخصص های همیشگی آنهاست. اتحاد و همبستگی نیروهای معتقد به آزادی و برابری، دموکراسی و جدائی دین و مذهب از نهادهای سیاسی و آموزشی از اهم اولویت ها به شمار می رود. نقش مخرب و بازدارنده فرقه های گروهی، سازمانی و حزبی به ویژه در میان نیروهای چپ نیز درد دیگری است که در فرصت های آتی نوشته شود.

۲۵.۱۲.۲۰۱۸

منتشر شد: اشتراک ورود پرس - لجور - بالاترین - گزارشگران